

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۲۶ - ۱۱۳

دنیای اسلام و آداب و رسوم و جشن های ایرانی

^۱ حسین صالحی

^۲ معصومه قره داغی

^۳ احد عبادی

^۴ حسین رییس سادات

چکیده

ورود اسلام به ایران سر آغاز دوره ی تازه ای برای ایرانیان و دنیای اسلام بود. این دوره دارای پستی و بلندی های فراوانی بود. نفوذ اعتقادی اسلام گسترده بود و تاثیر فرهنگ و تمدن ایرانی غیر قابل انکار. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که به چه میزان آداب و رسوم و جشن های ایرانی به حیات خود ادامه داده و دنیای اسلام تا چه حد آن را پذیرفته و با آن مدار کرد؟ آیا با سقوط ساسانیان همه ابعاد زندگی ایرانیان دچار تغییر شد؟ فرضیه اصلی تحقیق ادامه حیات جنبه های گوناگون آداب و رسوم و سنن ایرانی در بعد اسلام است که در دوره خلافت اول عباسی جامعیت می یابد و در دیگر حوزه های تمدنی گسترش می یابد. شواهد تاریخی به ما نشان می دهد بسیاری از این آداب و رسوم دستکم در سه قرن اول به قوت خود باقی بوده و حتا حاکمان مسلمان با آن همراهی می کرده اند.

واژگان کلیدی

اسلام، ایرانیان، آداب و رسوم، جشن ها.

۱. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

Email: Salehi.kourosh@yahoo.com

۲. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Masomehgaradagi90@gmail.com

۳. گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: Ebadi_ahad@iaut.ac.ir

۴. گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.

Email: sh_rais@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۹

طرح مسأله

این پرسش مهم همیشه مطرح است که چگونه آداب و رسوم و جشن‌های ایرانی که قدمتی چند هزار ساله دارد با ورود اسلام به ایران به حیات خود ادامه داد؟ حیات آن‌ها تحت چه شرایطی ممکن شد؟ چه عواملی در این موضوع موثر بودند؟ و مسلمانان با آن چه برخوردی داشتند؟ ورود اسلام به ایران یک دوره متفاوتی از قبل را برای ایرانیان رقم زد و ایرانیان با توجه به شرایط جدید تلاش کردند در یک تقابل و تعامل شرایط زندگی در دوره تازه را آماده کنند. این روابط در مناطق گوناگون متغیر و بنابر بر شرایط زندگی و دادوستد و غیره تعیین کنند بود. عوامل اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین عوامل همزیستی و همگرایی بین مسلمانان و ایرانیان بود. همین عوامل از مهم‌ترین عوامل اسلام آوردن ایرانیان به شمار می‌آمد. (چوکسی، ۱۳۸۱: ۶۱) از سده دوم و سوم به بعد که اکثریت زرتشتی در ایران رو به کاهش گذاشت و مسلمان با توجه به اکثریت اعتقادی، فرهنگی و تسلط سیاسی قدرت کامل را در دست گرفتند. (پیشین: ۱۶۸) با این همه با توجه به پیشینه فرهنگی و اعتقادی حتا با توجه به اسلام آوردن بسیاری از آداب و رسوم پیشین همچنان برپا و برجا بود و به سبب گستردگی و پهناوری و گاه صعب‌العبور بودن مناطق ایران و از سوی دیگر عدم تضاد با اعتقادات اسلامی، مردم همچنان به اجرای مراسم پیشین خود که حتا جنبه زرتشتی داشت، ادامه می‌دادند.

در اینباره پیش از این، پژوهش‌هایی انجام پذیرفته است. اثر ارزشمند محمدی ملایری بنام «تاریخ و فرهنگ ایران در دوره انتقال» آگاهی‌ها ارزشمندی در اختیار اهل تحقیق و مطالعه قرار می‌دهد. این اثر که در چند جلد تدوین شده است و در هر جلد مبحث جداگانه‌ای را مورد بررسی و پژوهش قرار داده است. کتاب دیگر ایشان «فرهنگ ایرانی پیش از اسلام» نیز در همین زمینه به رشته تحریر در آمده است. کتاب ستیز و سازش اثر جمشید گرشاسپ چوکسی به روابط بین مسلمانان و ایرانیان بعد از سقوط ساسانیان پرداخته است و روند مسلمان شدن ایرانیان را مورد بررسی قرار داده است. «تاریخ مردم ایران» و «تاریخ ایران بعد از اسلام» اثر ارزشمند زرین کوب گرچه اختصاصاً به این موضوع نپرداخته است اما در لابه‌لای فصل‌های گوناگون آنها در این زمینه مطالب مفید برای درک بهتر موضوع قرار دارد. «حضور ایرانیان در جهان اسلام» اثری از احسان یار شاطر و گروه از نویسندگانی است که به موضوع ادامه حیات فرهنگ ایرانی در بعد از اسلام پرداخته است. تحلیل و داده‌های این کتاب برای اهل تحقیق و این موضوع بسیار مورد فایده است. دو مقاله از روح الامینی بنام‌های «جشن تیرگان» و «جشن سده و سده سوری در کرمان» از گذشته تا کنون آداب و رسوم جشن‌های کهن اساطیری را تا به امروز دنبال می‌کند.

پیشینه تمدنی عرب‌ها قبل از اسلام

عرب‌ها خود از دیر باز در مراکز تمدنی حضور داشته و دارای پیشینه تاریخی بودند. مثلاً در یمن یا در میان رودان از این گذشته تاریخی بناهایی برجای مانده است. در عربستان جنوبی حکومت سبا بود که مهمترین شعبه عرب جنوبی در آنجا ساکن بودند و قدمت آن‌ها تا ۷۵۰ ق.م به عقب برده اند. فرمانروایان سبا در دوره فرمانروایی خود بر سراسر جنوب عربستان تسلط داشتند. معبد خداماه (المقاه) یکی از مهمترین آثار آن دوره به شمار می‌آید. (حتی، ۱۳۶۶: ۶۸) در شمال شبه جزیره نیز تمدن‌های غربی وجود داشت. که آثار بسیاری از آن‌ها بر جای مانده است. حکومت پالمیر که با فتح عراق بدست اشکانیان بوجود آمد، مناسبات بازرگانی را تغییر و توسعه داد. پالمیر (تدمر) میان دو قدرت جهانی اشکانیان و رومی‌ها قرار داشت و تبع‌تأثیر فرهنگی و تمدنی آن‌ها را می‌توان در آنجا مشاهده کرد. موقعیت جغرافیایی آن سبب شد به یک مرکز بازرگانی میان شرق و غرب و جنوب تبدیل شود. (پیشین: ۹۳) در شمال شبه جزیره هم دروه ساسانیان دولت‌های عربی لخمی و غسانی حضور داشتند. غسانی‌ها به رومی‌ها گرایش داشتند و لخمی‌ها زیر سایه امپراتورس ساسانی می‌زیستند. جنگ‌های میان آن‌ها به نوعی جنگ‌های دو امپراتوری بود و در لشکر کشی‌ها هر دو طرف شرکت می‌کردند. آثار ارزشمندی از آن دوران باقی مانده است که نشان‌دهنده مدنیت در عرب‌های شمالی است. این موضوع هم در تاریخ ساسانی و هم بیزانس قابل توجه است. (پارشاطر و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۱۰)

اما در درون شبه جزیره جایی که مسلمانان از آن آمده بودند، تقریباً هیچ هنر و دانش خاصی وجود نداشت. به روایت طبری حتا در خوراک مسلمانان فرق بین کافور و نمک را نمی‌دانستند (طبری، ۱۳۵۲/۱۸۱۸). در مورد هنرها، سبک‌های معماری، شکل‌ها و جلوه‌های دیگر فرهنگی که وضعیت کاملاً روشن بود. از این رو مسلمانان در برابر فرهنگ و تمدن ملل دیگر چیزی برای ارائه نداشتند و با توجه به وسعت امپراتوری خود ناگزیر از استفاده از جلوه‌های تمدنی و فرهنگی ملل دیگر بودند. از این رو چه از روی مدارا و چه اجبار به آن‌ها تن می‌دادند. این در ایران رنگ بوی بیشتری داشت. چرا که ایرانیان خودآگاه تلاش می‌کردند مظاهر گوناگون فرهنگی و تمدنی خود را در قالب‌های گوناگون حفظ و به دوره تازه انتقال دهند. در این میان نهضت ملی مانند شعوبیه و از سوی دیگر دهقانان به عنوان مهمترین و بزرگترین نهضت و اقشار گوناگون که به این موضوع خودآگاهی داشتند، در این زمینه کوشش می‌کردند تا در دوره انتقال بتوانند در قالب جدید محتوای فرهنگی پیشین خود را جای دهند. (ملایری، ۱۳۹۶: ۶۰) دهقانان و شعوبی‌ها دو عنصر مهم در این ارتباط و انتقال میراث کهن ایرانی به درون اسلام نقش موثری داشتند.

شعوبیه

نهضت شعوبیه از روشنفکران و نازک اندیشان ایرانی که بنا بر شرایط خاص به اسلام گرویده بودند، تشکیل می‌شد که در برابر چیرگی و استیلای مهاجمان شروع به تکاپو کرده و در جهت‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی - فرهنگی به فعالیت می‌پرداختند. «شعب» در ادبیات جاهلی عرب به معنای اقامتگاه و چراگاه‌های چارپایان بود و به عنوان اسم مکان از آن استفاده می‌شد و البته معانی دیگری مانند گردآمدن، آب راه، شاخه، بلندی و ... داشته است. (ابن منظور، ۱۹۶۴: ۴۹۹/۱-۴۵۵)

در قرآن واژه «شُعُوب» فقط یکبار آن هم در سوره حجرات آمده است «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اُنثی و جعلناکم شعوباً و قبایل اقعار فوا ان اکرمکم عندالله انفکم ان الله علیم خبیر» «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زن آفریدیم. آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.»

نهضت شعوبیه واژه شعوب را در برابر قبایل که آن را به اعراب نسبت می‌داد، برگزید. (ابن عبدربه، ۱۹۵۲: ۴۱۲/۳) و برای خود پشتوانه‌ی قرآنی پیدا کرد. ابن منظور تایید می‌کند که این واژه در دوره خلیفه دوم به عجم‌ها اطلاق می‌شد. اما در دوره خلافت اموی و عباسی کاملاً به عجم‌هایی گفته می‌شد که در برابر سیاست‌های ضد ایرانی خلفای اموی و عباسی ایستادگی می‌کردند و در بسط و گسترش فرهنگ ایرانی می‌کوشیدند. ابن منظور تاکید می‌کند که: «شعوبیه حزبی سیاسی عجمی ضد عرب است که برای اعراب ارزشی قائل نبوده و خود را برتر از آن‌ها می‌شمردند.» (ابن منظور، ۱۹۶۴: ۵۰۰/۱) و این برتری را از همان آیه توجیح می‌کردند که شعوب که عجم‌ها هستند پیشتر از قبایل که منطقه اعراب آمده است و این خود یکی از برتری‌هایی است که حتا در قرآن به آن اشاره شده است. (احمد امین، ۱۴۲۹: ۵۵/۱)

این استنباط قرآنی به میزان قابل توجهی می‌توانست به مذاق بسیاری از غیرعرب‌ها و حتا عرب‌های معترض به وضع و شرایط اجتماعی آن زمان خوش آید. در واقع سیاست کلی و اصلی شعوبیان در نخستین دهه‌های برخورد دو جناح غالب و مغلوب، عرب‌ها و غیرعرب‌ها، همان مساوات بین همه مسلمانان بود که تلاش می‌کرد آن فشار سهمگین اقتصادی و تبعیض‌های اجتماعی - سیاسی را کم کند. هم از این در آن سال‌های نخست این کنشگران اجتماعی - فرهنگی را به نام «اهلُ التَّسْوِیة» می‌شناختند و نام بردار شده بودند. شواهدی تاریخی به ما نشان می‌دهد خلیفه دوم و سوم رفتار کاملاً تبعیض آمیزی با غیر عرب‌ها داشتند. (رییس سادات، ۱۳۸۲: ۲۹)

آیه‌هایی در قرآن بود که به شدت مورد توجه نهضت شعوبیه قرار می‌گرفت و از آن برای

پیش برد نهضت مساوات در نخستین ده‌های معاهداتشان بهره بردای می‌شد. شعوبیان می‌گفتند: «به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس باشید که مورد لطف خدا قرار گیرید.» (حجرات: ۱۰) و یا «ای اهل ایمان! مومنان هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره و استهزاء کنند شاید آن قوم که مسخره می‌کنید بهترین مومنین باشند و...» (حجرات ۱۱) استدلال‌های نهضت بیشتر اساس قرآنی داشت که سبب می‌شد به وسیله‌ی آن شدیدترین حمله‌ها را به مهاجمان بکنند و تاحدی در امنیت بمانند. اما با این همه فشارها هر روز شدیدتر و تبعیض‌ها بدتر می‌شد. در این میان کسانی در توجیه برتری عرب بر عجم بودند، استدلال‌های دیگر نهضت شعوبی را می‌کوبیدند و آیات و روایت‌های آن‌ها را رد می‌کردند. یک سند از ابن قتیبه این موضوع را تشریح می‌کند: «منظور از تساوی انسانی در آیات قرآن و روایات نبوی به تساوی در احکام عبادی و اخروی است، نه امور دنیوی. چراکه اگر در امور دنیوی افراد هم تساوی برقرار باشد و برای احدی فضیلتی بر دیگری در کار نباشد در دنیا فاضل و مفضل، شریف و مشروف وجود نخواهد داشت و این گفته‌ی پیامبر نقض می‌شود که فرموده است هرگاه بزرگوار قومی نزد شما آمد او را گرمی دارید و نیز اقوال آن حضرت درباره اشرف و سادات عرب و قریش پس چه می‌شود؟». (گلدزیهر، ۱۳۷۱: ۳۴۷) مهم‌ترین اهداف استراتژیک شعوبی‌ها استقلال سیاسی ایران‌شهر، حفظ زبان فارسی در برابر زبان عربی، پاسداشت آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی و گسترش اندیشه‌های ایران‌شهری بود اما این اهداف با گذر زمان بویژه روی کار آمدن عباسیان دولتی ایرانی بود، تغییراتی می‌کرد.

دهقانان

شاخه دیگر مقاومت ملی را دهقانان تشکیل می‌دادند. بیشتر دهقانان بسیار دیر به اسلام گرویدند. آن‌ها به دین آبا اجدادی خود وفادار بودند و چون تماس مستقیمی با مسلمانان نداشتند و استقلال اقتصادی داشتند به تبع ضرورتی برای اسلام آوردن نمی‌دیدند. دهقان عربی شده واژه دهگان است. دهگان از دو واژه ده و گان بوجود آمده است. پسوند گان به معانی گوناگونی به کار رفته که در اینجا به معنی نسبت و رابطه آمده است مانند بازرگان. بیرونی گزارش می‌دهد که دیهکانیه (دهقت) معنی امارت دنیا و کشاورزی است و با دیهوپتیبه که معنی پاسداری از جهان و نگهبانی از آن را دارد، توأم‌اند. بیرونی بوجود آمدن دهقان را ویکرد می‌داند که از آن زمان رشد و گسترش و هر روز پر آوازه تر شدند. (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۶) مسعودی نیز رسم و روش دهقانی را به ویکرد نسبت می‌دهند. (مسعودی، ۱۳۷۸: ۲۷۸/۱) بیرونی در جشن تیرگان به رسمی ظریفی اشاره می‌کند. او توضیح می‌دهد که هوشنگ پیشدادی دستور داد در جشن تیرگان (دهقانان) پوشاک دبیران را بر تن کنند. این روایت بیرونی می‌تواند نماینگر این موضوع باشد که علم و دانش و فراگیری آن نزد دهقانان اهمیت فراوانی داشته است اما این موضوع

نمی‌تواند بی ارتباط با جایگاهی باشد که دهقانان بعد از اسلام بدست آوردند. خسرو انوشیروان خود را از دهقانان می‌دانست «جد اعلای ما در عین سلطنت دهقانی بیش نبود.» (ثعالبی، ۱۳۷۴: ۴)

سمعانی در معنی دهقان آورده است «دهقان مقدم ناحیه ای است مرکب از چند قریه و یا صاحب ضیعه و تاکستان.» (سمعانی، ۱۹۷۷: ۴۲۳/۵) روشن است که مهمترین ویژگی دهقان مالکیت زمین است و کوچکی و بزرگی زمین مهم نبوده است. در ارداویراف نامگ در توصیف بهشت جایگاه کدگ خدایان از دهقانان بالاتر آمده است. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۶۴) جایگاه والای کدخدایان که معمولا اداره ده ها و روستاها را با آن ها بوده است، این ایده را تایید می‌کند که دهقانان الزاما دارنده زمین های وسیع و موقعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی بالایی نبوده اند، بلکه آنچه آن ها را در دسته دهقانان قرار می‌داده، داشتن زمین بوده است. اکثریت این دهقانان جز اشراف نبوده اند. «غالباً اراضی مزروعی که به دهقانان می‌رسید، چندان وسعتی نداشت، چنانکه از این لحاظ در اکثر نقاط شخص دهقان با سایر احواد رعیت یکسان بود...» دهقان در مقابل مقابل زارعین دارای آن موقع و مقام نجابی که املاک داشته اند، نبوده است. (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۱۶۹)

دهقانان یکی از چرخ های مهم و حیاتی اقتصاد به شمار می‌آمدند و از این رو برای حکومت ها بسیار مهم بودند. همه حکومت ها تلاش می‌کردند تا موجودیت آن را حفظ و موانع کار آن ها را بر طرف کنند. مسلمانان تا زمانی که نتوانستند با دهقانان کنار بیایند به لحاظ اقتصادی نتوانستند در آمد خود را افزایش دهند. از این رو برای حفظ موقعیت خود هم که شده با دهقانان و کدخدایان از در تعامل در می‌آمدند. آن ها بر خلاف اقشار شهری هیچ علاقه و البته امکانی برای ارتباط بیشتر با فاتحان نداشتند. هم از این رو تلاش می‌کردند بر همان مدار قبلی خود زندگی کنند و اعتنایی به مهاجمان نداشته باشند. امید بازگشت ساسانیان تا ده ها سال در دل مردم زنده بود. برای همین با کوچک ترین جنبش و قیام و شورش به آن می‌پیوستند تا شاید آب رفته را به جوی باز گردانند. (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۷۰/۲)

تعامل و همزیستی فرهنگی

این دو عنصر تاثیرگذار نقش به‌سزایی در ستیز، همزیستی، تعامل و انتقال میراث باستانی به دنیای اسلام نقش داشته باشند. روی کار آمدن عباسیان به عنوان یک دولت ایرانی در تقویت و تاثیر گذار آن ها نقش به‌سزایی داشت. خلفای دوره عباسی نیز بدشان نمی‌آمد که خود را متمایل به ایرانی ها نشان دهند و حتا در گسترش فرهنگ ایرانی در دنیای اسلام بکوشند. شواهد بسیار تاریخی به ما نشان می‌دهد هنرهای بسیاری از دوره ساسانی به بعد از اسلام انتقال یافت. از هنر سفال گری که یک صنعت توده ای و مردمی بود تا جواهر سازی و معماری و غیره تماما

شکل و رنگ و بوی ساسانی داشت. خلافاً عباسی اقتباس از دوره کسری را یک افتخار می‌دانستند از این رو تلاش می‌کردند حتی به شکل آن‌ها لباس بپوشند و مراسم درباری آن‌ها را پیاده و اجرا کنند.

مهمترین و بزرگ‌ترین جشن‌های ایرانیان نوروز بود. نوروز از ابعاد گوناگون مهم بود. هم جنبه اساطیری داشت و هم آیینی اما مهم‌ترین ویژگی‌اش پیوند با طبیعت و آغاز دوباره آن بود. با این همه در یک سطح گسترده شعوبی‌ها تلاش می‌کردند تا بخش بزرگی از میراث کهن را با جعل روایات و احادیث به دوره حکومت اسلامی راه داده و نهادینه کنند.

گرچه در یک بازه زمانی یکی دو قرن، شرایط از بین بردن فرهنگ و آداب سنن ساسانی فراهم نبود اما عربیزه کردن جهان اسلام از دو طریق ایدئولوژی و زبان عربی سرعت بیشتری می‌گرفت. با این همه تسلط فرهنگی و سیاسی شعوبی‌ها با پشتیبانی دهقانان بر دنیای اسلام این عربیزه کردن بویژه در قسمت‌های شرقی امپراتوری اسلامی را با مشکل روبه‌رو می‌کرد. حکومت‌های متقارن که حدوداً از اوایل قرن سوم رشد و گسترش یافتند، در راستای اهداف مقاومت ملی تلاش کردند هر یک گامی در این راستا بردارند و چنانکه گفته شد حتی سلاطین ترک مانند محمود و مسعود را در جهت حفظ فارسی که مهم‌ترین حفظ ویژگی فرهنگی یک ملت است، وادار به تلاش کنند.

مقاومت ملی تلاش می‌کرد با جعل احادیث و روایت‌هایی از پیامبر و دیگر بزرگان مذهبی اسلام برگزاری این مراسم را مشروعیت بخشد و عادی سازی کند. بویژه در دوران هارون و مامون که ایرانیان تقریباً آزادی کامل داشتند، خلیفه مورد سرزنش قرار می‌گرفت، از این رو این روایت‌ها و احادیث می‌توانست گره از گشا باشد.

این روایت‌ها و احادیث برای مردم خود ایران نیز مهم بود. آن‌ها می‌توانستند با توجه به داشتن دین اسلام، به اجرای مراسم کهن و دیرین آیینی خود بپردازند. این سبب می‌شد تا این مراسم در نزد همه گروه‌ها و بویژه کسانی که به ایمان دیرین خود باور داشتند، مشروعیت یابد و اجرا گردد. این مراسم به سبب جذابیت خود در دوران امویان نیز جایگاه خاص خود را داشت. مثلاً حجاج علاوه بر مالیات اخذ شده، در نوروز نیز باج می‌گرفت و از هدایایی نوروزی نمی‌گذشت و آن را طلب می‌کرد. این موضوع در روزگار امویان تا دوره عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت. در واقع بحث اقتصادی و مادی نوروز و مهرگان و طمع امویان سبب می‌شد تا با برگزاری این رسم‌ها مخالفت و سختگیری نشوند. (خطیب، ۱۳۷۵: ۱۰۱)

تلاش‌های مقاومت ملی و شعوبی‌ها برای برقراری نوروز بر اساس تقویم کهن با سختگیری‌های خلفا روبه‌رو شده بود. حتی در دوره وزارت برمکیان، یحیی برمکی تلاش کرد تا نوروز بر اساس گاهشماری ایرانی بر گزار شود اما از ترس متهم شدن به زرتشتی بودن، پافشاری

نکرد. در دوره متوکل عباسی این موضوع پذیرفته شد و نوروز بر اساس تقویم ایرانی هماهنگ شد. بویژه که در طی این سال‌ها نوروز جابه‌جا شده بود. متوکل به شخصی بنام ابراهیم بن عباس دستور داد تا نوروز به عقب برده و با گاهشمار ایرانی همسان و با دوره اردشیر مانند شده و برگزار شود. (رضی، ۱۳۸۳: ۲۱۹)

در دوره‌های بعد غزالی که در قرن پنجم و ششم می‌زیسته با توجه به استقرار اسلام در کیمایی سعادت خود نوروز و مهرگان را نکوهش می‌کند و در توصیفی به اجرای این مراسم در آن دوره می‌پردازد که می‌تواند تصویری از نوروز را در بعد از اسلام به نمایش بگذارد: «به نوروز منکرات بازارها آن بود ... چنگ و چغانه و صورت حیوانات فروشد برای کودکان در عید و شمشیر و سپر چوبین فروشد برای نوروز ... از این چیزها بعضی حرام است و بعضی مکروه، اما صورت حیوان حرام است. آنچه برای سده و نوروز فروشد چون سپر و شمشیر چوبین و بوق سفالین این در نفس خود حرام نیست. اما برای اظهار شعائر گبران حرام است که مخالف شرع است و هرچه برای آن کنند، نشاید. بلکه افراط کردن در آرستن بازارها در شب نوروز و قطایف بسیار کردن و تکلفات نو کردن برای نوروز نشاید و سده که باید مندرس شود و کس نام آن نبرد، تا گروهی از سلف گفته‌اند که: نوروز باید روزه داشت تا از آن طعام‌ها خورده نیاید و شب سده چراغ فرا نباید گرفت تا اصلاً آتش ببیند و محققان گفته‌اند: روزه داشتن این روز هم ذکر این روز بود و نشاید که نام این روز برند به هیچ وجه، بلکه روزهای دیگر برابر باید داشت و شب سده هم همچنین، چنان که از وجود آن نام و نشان نماند.» (غزالی، ۱۳۷۵: ۵۲۲)

این جشن‌ها چنانکه غزالی اشاره دارد مورد توجه مردم بوده و حتا بازار را برای آن می‌آرستند. ابن حوقل در قرن چهارم در کرینه در پیرامون اصفهان گزارش می‌دهد که: کرینه بازاری دارد که مردم به مناسبت نوروز هفت روز در آن گرد می‌آیند و به عیش و نوش و تفریح می‌پردازند و از انواع غذاها و آرایش‌ها بهره می‌برند چنانکه سبب اعجاب حاضران می‌شود. مردم شهر و گروهی که اطراف آن یا از جاهای دور می‌آیند برای این جشن هزینه‌گزافی می‌کنند و لباس‌های زیبا می‌پوشند و در مجالس جشن برای بازی و شادمانی حاضر می‌شوند و آواز خوانان زن و مرد در کنار رود و کاخ به مجالس ایشان نشاط و سرور می‌بخشند. مردم در پشت بام‌ها و سراسر بازارها به عیش و نوش و شیرینی خوردن سرگرم می‌شوند و شب را به روز می‌پیوندند و آرام نمی‌گیرند و کسی ایشان را باز نمی‌دارد زیرا فرمانروایشان آنان را در کار آزاد گذاشته‌اند و با گذشت سال‌ها عادت شده است. و گفته‌اند که: مخارج آنان در این بازار هنگام حلول خورشید در برج حمل به دویست هزار درهم می‌رسد و این علاوه بر میوه‌های خوب و لذیذ و خوراک‌های عالی و آشامیدنی هست که در ارزانی و فراوانی به رایگان گونه است. زیرا انگور به من ایشان چهارصد درهم است. هر صد من پنج درهم قیمت دارد. ...» (ابن حوقل،

(۱۳۶۶: ۱۰۷)

اسناد تاریخی به ما نشان می‌دهند که عبدالله بن طاهر جشن‌های نوروز و مهرگان را مهم می‌شمرد و بزرگ می‌گرفت. این جشن‌ها در دوره سامانیان نیز برقرار بود. در دوران خلفای اموی جنبه مادی نوروز برایشان جالب و مهم بود. گرچه به لحاظ مذهبی و نژادی، در تعارض بود اما به سبب هدایایی که از این جشن‌ها بدست می‌آوردند، سخت‌گیری چندانی نمی‌کردند. این پیشکشی‌ها از سوی امیران، حاکمان و دهقانان صاحب‌نام ایرانی برای معاویه و دیگر خلفا فرساده می‌شد که پنج تا ده میلیون درهم بالغ می‌شد. (زیدان، ۱۳۵۲: ۲۲)

عمر بن عبدالعزیز به دلیل اینکه این هدایا و پیشکشی‌های نوروزی باری بر دوش مردم تحمیل می‌کرد، دستور داد کلا منسوخ شود. (شکری الالوسی، ۱۹۲۴: ۳۸۷/۱) عمر بن العزیز هدایایی دیگری بنام هدیه ازدواج، خراج قلم و غیره که عمدتاً با زور از مردم گرفته می‌شد، از اعتبار انداخت تا فشاری بر مردم نباشد. او همچنین مقرر کرد تا از مسلمان شده‌های تازه که بیش از این جز اهل ذمه به شمار می‌آمدند و پول پرداخت می‌کردند، چیزی گرفته نشود و به موالی هم در جنگ از غنایم سهمی تعلق بگیرد. (راوندی، ۱۳۵۹: ۱۰۸/۲)

یک سند دیگر تاریخی نشان می‌دهد که نوروز از زمان محمود و مسعود غزنوی متداول بوده است و آن‌ها به گرفتن آن همت می‌گماشتند. بیهقی اشاره می‌کند که زمان امیر مسعود: «بجشن نوروز بنشست و هدیه‌های بسیار آورده بودند و تکلف بسیار رفت و شعر شنود از شعرا که شادکام بود در این روزگار زمستان، و فارغ دل، فترتی نیفتاد و صله فرمود و مطربان را نیز فرمود.» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۱۱)

در تاریخ قم به مجلس یزدانفادار در اواخر قرن نخست و اوایل قرن دوم در ایام نوروز اشاره شده است که او نوروز را گرامی داشته و با مهمانانش چوگان بازی می‌کند. ملاپیری (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۳/۱) ملاپیری در ادامه مطلب می‌آورد که دولت خلفا سال مالی خود را بر اساس نوروز قرار داده و حساب و کتاب سالیان خود را با آمدن نوروز نگه می‌داشتند. از آنجا که پس از ساسانیان کیبسه نگه نداشته شده بود و دهقانان نسبت به تغییر آن اعتراض داشتند، متوکل عباسی دستور داد به این موضوع رسیدگی شود و در زمان معتضد عباسی این موضوع به فرجام رسید که به تقویم معتضدی معروف شد. (پیشین: ۱۵/۱)

شعوبی‌ها همچنان برای توجیه بسیاری از موارد دست به جعل و تئوری‌سازی می‌زدند، درباره نوروز و آداب و سنن ملی و رسمیت بخشیدن آنان نیز تلاش می‌کردند. در زمان خلافت علی بن ابیطالب برخی از دهقانان در روز نوروز برایش هدایایی می‌بردند، گفت: «نوروزنا کل یوم.» (پیشین: ۱۳۴/۱) در واقع از آنجا که مراسم نوروز و دیگر آیین‌های برجای مانده از روزگار ساسانی را آیین گبران می‌دانستند، سخت‌گیری‌های فراوانی در عدم اجرای آن صورت

می‌گرفت. از این رو تلاش شد تا به لحاظ مذهبی برای آن‌ها روایت‌های همسان سازی شود تا پذیرش آن راحت تر صورت گیرد. از جمله این اقدامات که با اهداف استراتژیک شعوبی‌ها همخوان بود، انطباق واقعه نشستن به خلافت و واقعه غدیر که نزدیک به ایام نوروز بود، مورد توجه قرار گرفت. اخباری از بزرگداشت نوروز توسط امامان شیعه نقل شده است. (براون، ۱۳۶۷: ۸۶/۵)

مجلسی در بحارالانوار روایات و احادیث فراوانی درباره نوروز از امامان شیعه نقل کرده است. او در سما العالم از قول امام شیعیان روایت می‌کند که: «در آغاز فروردین آدم آفریده شد و آن روز فرخنده ای ست برای خواستن نیازها و برآورده شدن آرزوها و دیدن پادشاهان و فراگرفتن دانش و کابین بستن و زناشویی و مسافرت کردن و دادوستد. و در این فرخنده روز بیماران رو به بهبودی گذارند و بارداران به زودی می‌زایند و روزی ها فراوان می‌شود.» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

یک روایت دیگر از امام ششم، جعفر بن محمد اشاره دارد که خلقت آدم در این روز بود. ابراهیم در این روز بت‌ها را شکست. موسی در این روز بنی اسرائیل را از بندگی و اسارت نجات داد. پیامبر اسلام در این روز مبعوث شد و امام زمان در این روز ظهور خواهد کرد. (پیشین: ۲۲۵)

دخویه در تحلیل این روایت‌ها باور دارد که ایرانیان چون نتوانستند از آداب و رسوم پدران خود دست بردارند، آن‌ها را به عربی ترجمه کردند و به ائمه و مقدسین عرضه کردند تا تایید آن‌ها را بگیرند. او در تایید سخنانش به حدیث نورزیه معلا بن خنیس اشاره می‌کند که اصلاً یک ایرانی بود. (پیشین: ۲۴۴)

کوشش‌های ایرانیان برای پاسداشت آیین و مراسم و مناسک گذشته را می‌توان به وضوح در کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها دید. این کوشش‌ها را به شکل کمرنگ می‌توان درباره جشن، باورها و مراسم دیگر هم دید. در واقع پاسداشت و برگزاری آن‌ها به شکلی می‌تواند مبارزه منفی جامعه ایرانی در قرون نخستین با فاتحان باشد. مثلاً تلاش برای برگزاری جشن سده و مهرگان از سوی مرداوین نشان می‌دهد که اگر حاکمیت ملی در ایران استقرار پیدا می‌کرد، حتی با گذشت دهه‌ها و قرن‌ها باز می‌توانست دوباره چون آتش زیر خاکستری شعله ور شود.

در ۳۲۳ هـ ق مرداوین زیاری جشن سده را به شکل با شکوهی برگزار کرد. آیینی که با گذر چهار قرن از ورود اسلام به ایران هنوز زنده بود. مسکویه از برگزاری این جشن گزارش می‌دهد: «چون شب آتشبازی جشن سده نزدیک می‌شد، مرداوین از مدتی پیش دستور گردآوری همیز می‌داد، تا آن‌ها را از راه‌های دور به دره زرین رود به نزدیک مرداب و نیزارها بیاورند، آتشبازان ماهر و نفتگران، نفت و زرافه‌ها را آماده می‌کردند، شمع‌های بزرگ ایستا فراهم می‌آوردند، هیچ کوه و تپه‌ای مشرف بر جرین اصفهان نمی‌ماند مگر آنکه همیز و خاشاک بر

روی آن جا سازی می کردند، در کنار زمین جشن با فاصله ای که آتش سوزی در آن رنج‌زا نباشد، کاخ مانند بزرگ از چوب برپا کرده و با آهن و ابزار آن را می‌بستند و در جاهایی از آن خاشاک پر می کردند، کلاغ و گنجشک هایی شکار کرده بر منقار و پای آن کردوهایی انباشته از نفت می‌آویختند، شمع ها را به صورت ستون ها و تندیس های زیبا در مجلس او می نهادند. پس در ساعتی معین در آن روز همه آتش ها را یکباره بر سر کوه‌ها، تپه‌ها و در آن مجلس، بر آن پرندگان را روشن کرده و پرندگان روشن شده را به پرواز در می آوردند.

سفره‌ای بزرگ را بگونه ای در بیابان چیده بود که از درون خانه اش آن را می دید از {گوشت} حیوان‌ها، گاو، گوسفند چند هزار آورده، بیش از اندازه معمول آماده کرده، آن را آراسته بود. پس از پایان همه کارها بر پا کردن خرگاه‌ها در کنار سفره و فرا رسیدن نشست همگانی، برای خوراک و آشامیدن، مرداویش از خانه بیرون آمده و بر گرد سفره و آتشبازی یاد شده گردشی کرده و آن را کوچک و ناچیز یافت...» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۱۲/۵)

و یا در مورد جشن مهرگان طبری گزارش می دهد که اسد بن عبدالله، حاکم خراسان در جشن مهرگان پذیرایی رسمی و با شکوهی از دهقانان محلی و سرداران عرب به عمل آورد. (راوندی، ۱۳۵۹: ۱۱۶/۲) و یا بیهقی در تاریخ مسعودی به طور مکرر یاد می کند که: «سلطان به جشن مهرگان نشست و از آفاق مملکت هدیه ها که ساخته بودند، پیشکش را در آن وقت بیاوردند و اولیا چشم بسیار آوردند و شعرا شعر خواندند و صلت های شگرف می فرمود.» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۴۲۳/۲)

گزارش‌های پراکنده در منابع تاریخی به ما نشان می‌دهد که بعد از اسلام تلاش ایرانیان برای پاسداشت بخشی عمده ای از باورها، مناسک و آداب و رسوم گذشته دستکم تا پیش از آمدن مغول به ایران حفظ شده و حتا در باورهای اسلامی رسوخ داده شده بود و با جعل احادیث و روایت ها آن را مورد پذیرش اسلام در آورده بودند. اما با مرور زمان بویژه از روی کار آمدن سلجوقیان تلاش‌های جامعه ایرانی برای پاسداشت این سنن و باورها در مقاومت ملی کم‌رنگ‌تر می شود. با این همه بخش‌هایی از این باورها و سنن ملی در قالب اسلامی با جوهر زرتشتی در جامعه ایران ماندگار شد.

جدای از نوروز، یلدا، سده و چارشنبه سوری که تا به امروز ادامه یافته است می توان به جشن تیرگان در مازندران اشاره کرد که در روستاهای آن سامان در سیزده تیرماه بر گزار می شود. (راوندی، ۱۳۵۹: ۵۵۷/۶) خانواده ها با تهیه خوراک مخصوص و پختن شیرینی به پیشواز این جشن می روند و در شب این جشن گردهم می‌آیند. در این جشن آب بازی و آب پاشی معمول است و انجام می شود. گزارش برگزاری این جشن بیشتر از روستاهای آمل، فیروز کوه و سنگسر ثبت شده است. (روح الامینی، ۱۳۶۹: ۱۲۸۹)

جشن سده بیشتر در مرکز ایران برگزار می‌شود. یک گزارش پژوهشی نشان می‌دهد که این مراسم در مازندران، کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان در میان کشاورزان و چادرنشینان برگزار می‌شود. (روح الامینی، ۱۳۷۴: ۳۰۶) «این رسم از دیرباز در کرمان برجای مانده و تا آنجا که پیران و سالخورده‌ها از پدران و نیاکان خود به یاد دارند همه ساله در روز دهم بهمن برگزار می‌شود.» (آذرگشسپ، ۱۳۵۸: ۲۵۳)

شاید به طور دقیق نتوان مشخص کرد به چه میزان از میراث باستانی در آداب و رسوم در بعد از اسلام به حیات فرهنگی خود و حتا تا کنون ادامه دارد اما می‌توان در میان بسیاری از سنت‌ها برجای مانده در سراسر فلات ایران و حتا خارج از محدود جغرافیای ایران نشانه‌های آن یافت. چراغ برات که در خراسان در نیمه شعبان و گاه در سه روز آخر سال برگزار می‌شود ریشه در آیین‌های کهن باستانی دارد. در این سنت مردم برای آموزش رفتانگانشان به سر مزار آن‌ها می‌روند و با درست کردن شیرینی و حلوا برای آن‌ها خواستار آموزش و آرامش می‌شوند. این مراسم را می‌توان ادامه سنت باستانی آموزش درگذشتگان در واپسین روزهای سال دانست که برای بازگشت فروهرهای مردگان به زمین انجام می‌پذیرفت.

نتیجه‌گیری

آداب و رسوم و جشن‌های کهن ایرانی در سایه سه عامل توانست در بعد از اسلام به حیات خود ادامه دهد. تلاش‌های دهقانان به عنوان پاسداران فرهنگ ایرانی، تلاش‌های نازک اندیشان ایرانی در نهضت شعوبیه و مدارای دنیای اسلام با فرهنگ‌های بومی. این موضوع برای ایرانیان زمانی تسهیل شد که عباسیان با همت ایرانیان به قدرت رسیدند. این موضوع سبب شد ایرانیان در دوره نخست خلافت عباسی بر دنیای اسلام حکومت کنند و وزرای ایرانی نقش بسیار پررنگی در این زمینه بازی کردند. بسیاری از آداب و رسوم ایرانی مانند جشن نوروز و تیرگان، چراغ برات، باور به سوشیانت، آیین پرسه و غیره از روزگاران دور به ما رسیده که در گذر روزگاران به تبع تغییراتی کرده است.

فهرست منابع

۱. آذر گشنسپ، اردشیر (۱۳۴۹) آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان. تهران: راستی.
۲. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۸) مروج الذهب. ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی فرهنگی.
۳. مسکویه رازی، ابو علی (۱۳۶۹) تجارت الامم. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
۴. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲) تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.
۵. بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۶) تاریخ بیهقی. تصحیح بهمن میرزا کریمی. تهران: کتابفروشی علمی.
۶. حتی، فلیپ (۱۳۶۶) تاریخ عرب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران، آگاه.
۷. یارشاطر، احسان؛ دیگران (۱۳۹۲) تاریخ ایران کیمبریج. ج ۳ ق ۱. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
۸. یارشاطر و دیگران (۱۳۹۹) حضور ایرانیان در جهان اسلام. تهران: مروارید.
۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲) الرسل و الملوک. ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۰. بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳) آثار الباقیه. ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: امیرکبیر.
۱۱. ثعالی، ابومنصور عبدالملک (۱۳۶۸) تاریخ ثعالی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم). ترجمه زتنبرگ. تهران: نقره.
۱۲. غزالی، محمد (۱۳۷۵) کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. شکری الالوسی، محمود (۱۹۲۴) بلوغ العرب فی معرفه احوال العرب. مصر: رحمانیه.
۱۴. ابن حوقل، محمد (۱۹۳۹) صوره الارض. کراموس. لیدن.
۱۵. خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی (۱۹۷۹) تاریخ بغداد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. سمعانی، عبدالکریم (۱۹۷۷) الانساب. حیدرآباد دکن.
۱۷. ابن عبدربه الاندلسی، محمد (۱۹۵۲) اعقد الفرید. قاهره: لجنه الترجمة و النشر.
۱۸. امین، احمد (۱۴۲۹) ضحی الاسلام. بیروت. مکتب العصریه.
۱۹. ابن منظور (۱۹۶۴) لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۲۰. ملایری، محمد (۱۳۷۹) تاریخ و فرهنگ ایران در دوره انتقال. تهران: توس.
۲۱. ملایری، محمد (۱۳۹۶) فرهنگ ایران پیش از اسلام. تهران: توس.
۲۲. کریستن سن، آرتور (۱۳۸۴) ایران در زمان ساسانیان. رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.
۲۳. گلذریه‌هایگنایز؛ نات، (۱۳۷۱) اسلام در ایران. ترجمه محمود رضا افتخار زاده. تهران: میراث‌های تاریخی.
۲۴. چوکسی، گرشاسپ (۱۳۸۱) ستیز و سازش. ترجمه نادر میر سعیدی. تهران: ققنوس.
۲۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸) تاریخ مردم ایران. تهران: امیرکبیر.
۲۶. رییس سادات، حسین (۱۳۸۲) اندیشه‌های کلامی شیعه. مشهد: جلیل.
۲۷. زیدان، جرجی (۱۳۵۲) تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: امیرکبیر.

۲۸. رضی، هاشم (۱۳۸۵) جشن های آتش. تهران: بهجت.
۲۹. رضی، هاشم (۱۳۸۳) جشن های آب. تهران: بهجت.
۳۰. تفضلی، احمد (۱۳۸۵) جامعه ساسانی. ترجمه شیرین مختاریان - مهدی باقی. تهران: نی.
۳۱. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲) تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.

مقاله ها

۳۲. روح الامینی، محمود (۱۳۶۹) جشن تییرگان. نشریه چستا. شماره ۷۰.
۳۳. روح الامینی، محمود (۱۳۷۴) جشن سده و سده سوری در کرمان. چستا. شماره ۱۲۴-۱۲۵.